

# امید

در امریکانند

\$1.50

شماره یازدهم / سال سی و دوم / ۲ حوت ۱۴۰۲ / ۲۱ فروری ۲۰۲۴ / شماره مسلسل ۱۱۱۵

گرفت آنچه به من داده بود دور سپهر ز بیم کشمکش او هنوز در خطوم

مرا ز دست تو باشد هزار داغ به دل کدام جور ترای سپهر بر شمرم

مرحوم حضرت قاری عبدالله ملک الشعراء

افغان مینی مارکیت عرضه کننده انواع مواد خوراکی و وطنی

یگانه مغازه افغانی در منطقه واشنگتن بزرگ

که تازه ترین مواد خوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، و گوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd Springfield, VA 22150  
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

پروفیسر دکتر ذبیح الله الترام گلبرگ، اریزونا

## دموکراسی یا دولت اسلامی در افغانستان

دولت موجوده کشور عزیز ما بنا بر مفهوم مروجہ یک دولت غیر دموکراتیک است که به همین دلیل و بابهانه امریکا و پیروانش و دیگران آنرا برسمیت نمی شناسند. خصوصیات اساسی دموکراسی عبارت اند از رعایت حقوق بشر، آزادی و انتخابات آزاد. در بین ۱۹۵ مملکت دنیا دولتهای رنگارنگ وجود دارند که بیش از پنجاه فیصد آنها نظام دموکراتیک را برگزیده اند. دموکراسی یک سیستم سیاسی است که افراد آن در روند تصمیمگیری دولتی طور مساویانه حق مساهمت را دارا هستند. کلمه دموکراسی از زبان یونانی استخراج گردیده باین عبارت که (دمو) یعنی مردم و (کراسی) یعنی قانون یا قاعده را افاده می کند. ابرهم لنکلن شانزدهمین رئیس جمهور امریکا در نوامبر ۱۸۶۳ دموکراسی را یک (دولت مردم از طرف مردم و برای مردم) تعریف کرد. باین حساب دموکراسی یک دولت منتخبه اتباع یک جامعه می باشد. در عمل نظام دموکراتیک یک شکل نبوده بلکه به انواع مختلف در عمل پیاده گردیده است. مثلاً در نظام جمع گرایی به تعداد دو و یا بیشتر از دو حزب سیاسی رقیب فعالیت می کنند. در بعض جاها دموکراسی یک حزبی حاکم میباشد که در آن یک حزب واحد اقتدار را بدست دارد. دموکراسی مشارکتی آنست که در آن افراد یک مؤسسه مستقیماً در روند تصمیم گیری شریک اند. طبعاً این چنین یک دستگاه مستلزم آنست که تعداد افراد واجد شرایط خیلی کوچک یعنی در حدود پنجاه یا یکهزار نفر باشد که همه بتوانند در عملیه تصمیم گیری شخصاً اشتراک کنند. این نوع روش را دموکراسی خالص می نامند که در آن تصمیم مستقیماً توسط اکثریت رأی دهندگان تصویب میگردد و اما حقوق اقلیتها در آن مراعات نمی شود. یک دموکراسی خالص یک دستگاه فاقد قانون اساسی میباشد و اما در یک مملکت که جمهوریتش می خوانند هم قانون اساسی وجود دارد و هم قوانین توسط نمایندگان مردم که از طرف مردم انتخاب می گردند به اکثریت آراء طرح و تصویب می شوند که در آن حقوق اقلیت ها نیز محفوظ است.

ایالات متحده امریکا یک نمونه از جمهوریت دموکراتیک میباشد که هم دارای یک قانون اساسی می باشد و هم قوانین ذریعه نمایندگان منتخب مردم (در کانگرس) تصویب می گردد. اگر پارلمان کشور روشن فکر باشد حدود صلاحیت های مقننه اش محدود است و اگر روشنفکر و لیبرال نباشد حدود صلاحیتش بیغور و غیرمعین می ماند. در بعض دموکراسی ها (مثلاً در امریکا) زمامدار کشور رئیس جمهور است که چه مرد باشد یا زن، به وسیله اکثریت آرای اتباع توسط (کالج انتخاباتی) برای مدت چهار سال (و باز چهار سال دگر در صورت مؤفقت) تعیین می گردد و تمام قوه اجرائیه بدست اوست. در بعض دگر کشورها صدراعظم یا رئیس الوزراء قدرت اجرائیه را در دست دارد که انتخابش از صلاحیت پارلمان است. مثلاً در هندوستان رئیس دولت صرف مقام تشریفاتی دارد با آنکه قوای عسکری تحت فرمان وی بوده و تقرر صدراعظم ملتزم توشیح وی می باشد. شخص رئیس جمهور هند مشترکاً توسط اولسی جرگه و مشرانو جرگه و شوراهای ولایتی و سرزمین های قلمرو هند تعیین میگردد. در انگلستان سرکرده دولت پادشاه یا ملکه آن کشور است و اما قوه اجرائیه بدست صدراعظم میباشد که از طرف حزب برنده که اعضای آن بیعت و کلاهی شورا از طرف مردم انتخاب می گردند تعیین می شود و به منظوری پادشاه یا ملکه می رسد.

اقسام دگر نظامهای دموکراسی نیز وجود دارند که بعض از آنها بیشتر دموکراتیک اند و بعض شان کمتر. بطور مثال طبق شاخص دموکراسی سال ۲۰۲۳ در قارطرا ۱۹۵ مملکت، دموکراتیک ترین نظام در نارویست و بعداً بالترتیب در نوری زبلند، آیس لند، سویدن، فنلند، دنمارک، سوئزرلند، آیرلند، ندرلند و تایوان تشخیص شده اند. امریکا درین قارطرا شامل نیست.

استاد محمد محق

## بحران افغانستان. دو راهی عمل و بی عملی

فروپاشی نظام جمهوری و سطره یافتن طالبان بر افغانستان شکستی چند لایه برای کشور بود که بیشترین طیفها و اقلشار جامعه را به نحوی متاثر ساخت. این شکست تنها در عرصه نظامی و سیاسی نبود بلکه تا سطح ذهن و روان اکثریت مردم پیش رفت و به ویژه نخبگان سیاسی و مدنی و کنشگران اجتماعی را به شدت دچار سرخوردگی کرد.

فروپاشی روانی یک جامعه فاجعه ای بزرگتر از فروپاشی سیاسی و حتی امنیتی است. بنابر تجارب تاریخی، کشورهایی مانند جرمنی و جاپان در جنگ جهانی اول دچار فروپاشی سخت سیاسی، نظامی و اقتصادی شدند، اما به رغم دشواری غیرقابل وصف آن شرایط، روحیه جمعی خود را نباختند و توانستند از نوبه پا بایستند و به بازسازی اساسی خود کمر ببندند، چه برای سروسامان داخلی و چه در سطح بین المللی. نوعیت و چگونگی واکنش ملت ها به فاجعه های بزرگ میزانی برای سنجش پختگی و بلوغ آنها است و نشان می دهد که آیا به عنوان یک ملت به مرحله رشد و خودآگاهی جمعی رسیده اند یا خیر.

افغانستان پیش از این نیز گرفتار بحران بوده و دست کم در یک قرن اخیر تا یک بحران را بدورد گفته دوباره به پیشواز بحران تازه ای رفته و این سناریوی تکراری تا این لحظه به نقطه پایان خود نرسیده است. آنچه این آخرین بحران را نسبت به دوره های پیشین متفاوت می سازد، جدا از تغییر در معادلات منطقه ای و جهانی که بعد خارجی دارد، شکست روانی و سرخوردگی جمعی است که بعد داخلی دارد. در این دوره امید به تغییر و انگیزه برای تحول به ضعیف ترین درجه خود تقریباً در یک قرن اخیر رسیده است. در اثر این وضعیت، بسیاری از کسانی که باید در بزنگاه تحولات تاریخی وارد عمل شوند و سرنوشت مردم خود را متحول گردانند، خود به بی عملی گرایش یافته و نسبت به هر گونه فعالیت و تلاش بدین شده اند، و یا در بهترین حالت موقف خشنی دارند.

آنچه این سرخوردگی و نومیدی را پدید آورده است عوامل متعددی است. یکی از این عوامل تجربه شکست های مکرر است. بسیاری می اندیشند که وقتی تجربه دهه دموکراسی زمان شاهی، سپس تجربه جمهوریت سردار داود خان، پس از آن تجربه انقلابی جریان های چپ و به دنبال آن تجربه احزاب مجاهدین، و در پایان تجربه بیست ساله جمهوریت که با حمایت جهانی نیز همراه بود، یکی پس از دیگری به شکست انجامید، چه تضمینی وجود دارد که دور جدیدی از تلاش و مبارزه به سرانجام برسد و حاصلی در پی داشته باشد که به معنای تکرار فاجعه و در افتادن در بحران دیگری نباشد.

عامل دیگر آن بی باوری به شعارهای گوناگونی است که در نیم قرن اخیر از سوی جریان های سیاسی چپ، ملی گرا و اسلام گرا در انداخته شد و توانست به بسیج جوانان و هیجان توده ها بینجامد و هزینه سنگین انسانی و مادی بر روی دست مردم بگذارد، اما در پایان دیده شد که بسیاری از صاحبان آن ادعاها به شعارهای خود وفادار نماندند. تناقض میان شعار و عمل بسیاری از فعالان سیاسی که از دید اکثریت جامعه قابل پنهان ماندن نبود، به یک حزب و جریان خلاصه نمی شد بلکه دامن همه احزاب و جریان های مهم و وزنه دار نیم قرن اخیر را گرفت و داستان هایی پر حاشیه از رهبران سیاسی و فرزندان شان تا فرماندهان جهادی و دنباله روان شان را بر سر زبان ها انداخت. این وضعیت در دوران جمهوریت پردامنه تر نیز شد و حتی به ساحت فعالیت های مدنی، موسسات غیر دولتی، و نهادهای دیگر نیز رسید و باور اقلشار مختلف جامعه را به این شعارها تضعیف کرد. (صفحه هفت)



تمثال مبارک حضرت ملک الشعراء قاری عبدالله

## دیوان غزلیات ملک الشعراء قاری عبدالله

به اهتمام دکتر عفت مستشارنیا، نشر عرفان، تهران ۱۳۹۷  
 کودک شوخ چشم خلق آزار سنگ می زد به کوچه و بازار  
 این بیت ساده و ملیح بیت اول قطعه لطیفی است که ملک الشعراء مرحوم زبیب کتاب درسی مکاتب ابتدایی نموده است. مردی که نزدیک به نیم قرن از هفت ساله تا هفتادساله ما مدیون تعلیم و آموزش اویند. او عاشق ملتی بود که قرن نوزده جنگهای خانمانسوز قدرت طلبی شاهزادگان و سرداران آن، ملت را چنان بخاک سیاه نشانده بود که دیگر از آموزش و پرورش و باقی مظاهر فرهنگ خبری نبود و بنیان همه داشته های زندگی مردم در فقدان امنیت به تباهی می رفت و ملتی با آن پیشینه درخشان فرهنگی، در انزوا از جهان وبی خبری از موج جهش فکری و عقلی و رفاه مادی و معنوی سرزمین های رشد یافته، در خواب و رخوت زندگی سوز فرو رفته بود.

در چنین حالی مردی که میدانست خمیرمایه ترقی و تعالی رابه درجه اول باید در تعلیم و آموزش جست، یکسره همه زندگی اش را در خدمت تربیت کودکان و جوانان و راهنمایی ادبی بزرگ سالان گماشت. دین ورزی و اخلاق عالی و روح معرفت جوی او در کنار استغنیای درویشانه و دل بستن به مظاهر مادی و نیز احاطه او از ایام جوانی بر علوم دینی و دانش های ادبی، توجه بزرگان کشور رابه سوی وی معطوف داشت، و از شاهزاده معین السلطنه تا پادشاه فقید محمد ظاهر شاه افتخار شایسته او را دریافتند و از جمع راهبان ادب و نگارش که بعد هانام و نشانی یافتند، شاید کسی نباشد که خوشه بی از خرمن دانش او چه از طریق تلمذ رویاروی و چه از راه مطالعه آثار کثیرش نچیده باشد. (دنباله در صفحه هشت)

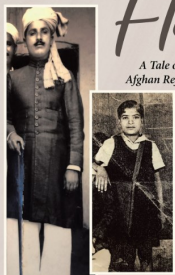
\*\*\*\*\*

یک دموکراسی مؤفق مستلزم یک سلسله مقتضیات خاص پنداشته شده که صرف در یک عده محدود کشورها سراغ شده میتواند. به نظر بنده اولین شرط برای دموکراسی که باید مؤفق باشد معتقد بودن یا باور داشتن افراد جامعه به نظام دموکراسی، حقوق بشر، اصل مساوات بین افراد جامعه و احترام به حقوق مدنی افراد توسط افراد می باشد. سائر مقتضیات شامل آماده ساختن ذهنیتها و تدریس و تلقین شهروندان به دموکراسی از طرف دولت است. رغبت و علاقمندی عامه به اشتراک در پروژه (صفحه هفت)

## گریز اجباری

ماجرای دو مهاجر افغانستانی

Forced to Flee  
A Tale of Two Afghan Refugees



Afzal Nasiri

نگارش محمد افضل ناصری را علاقمندان از آمازون به دست آورده می توانند.

Amazon.com

amazon

کانادا

اقساط چند صد میلیونی داده است؛ بفکرمن میخواهندبازاین بارمرد مسلمان متدین را مانند رژیم های سابق درجال خودگیرسازند و توسط او توطئه های جدیدبکاراندازد؛ خطرناک است!

**نوت:** این بود آنچه به نظر من مهم جلوه میکرد اما برای گسترش جدی و بیشتر آن به متخصصین راستکار و وطن دوست ضرورت حس میشود.

**مسائل اجتماعی:** افغانستان کشور اقوام و اقشار مختلف است. رسوم و عنعنات اجتماعی متعدد که بعضی شان بی نهایت غنی میباشد مترافق است. با تاسف که این رسم و رواج ها با کلتور های غربی، پاکستانی، روسی و ایرانی ملوث گردیده است. از جانب دیگر بعضی از این رسم و رواج ها با خرافات عربی بحدی غرق شده اند که دین اسلام را بد نام ساخته جامعه سلیم ما را به یک مرکز وحشت و بربریت مبدل ساخته است. مشکل مهم اجتماعی ما در داخل و خارج مرز خلاف رفتاری آداب معاشرت است. بناء، پیشنهادات ذیل را حضور تان تقدیم میدارم:

\*به رسم و رواج همه اقوام و اقشار باید احترام قایل بود.  
\*از خرافات شویست و دودی و جادو که مصرف بیجاست پرهیز نمود.  
\*عننات افغانستانی خود را محترم باید شمرد.  
\*آداب معاشرت را که ریشه دینی ومدنی دارد حتمی است که مراعت کرد.

\*یکدیگر را با الفاظ زشت یاد نکنید؛ این آیه قرآن مجید است: **و لا تباذروا بالاقلاب (الحجرات ۱۱)**

**نوت:** من آن فکتور هایی را که به نظر من سبب مسموم شدن جامعه سلیم میگردد تقدیم کردم. از تعلیمات آداب معاشرت پروفیسور فرید یونس که تا حال ۶۶ عنوان را در فیسبوک، و تساب، صفحه الکترونیکی فرید یونس و سایت کانون اندیشه افغانستان نشر شده است راهنمای خوب علمی، دینی و مدنی بوده میتواند. و هم از علمای دین و متخصصین سوسیولوجست متمنی ام که در موضوع بیشتر روشنی اندازند.

**اخلاقی دانشگاه:** دانشگاه کابل در اوایل قرن بیست با دانشکده طب و دانشکده حقوق بکمک ترکها و فرانسوی ها تاسیس شد. در اواخر قرن بیست و شروع قرن بیست ویکتعداد زیاد دانشگاه های شخصی و دولتی بشمول «یونیورسیتی امریکایی در کابل» و ولایات ظهور نمود که شاگردان مستعد و دانشمند به جامعه تقدیم کردند.

با ظهور طالب جنجال های زیاد روی اصطلاح پوهنتون و دانشگاه خلق شد که ریشه تعصب لسانی به مفاد لسان پشتو داشت. تروریست های طالب بر دانشگاه حمله بردند و محصلان را به قتل رساندند. یخبخ ازینکه اصطلاح پوهنتون و رتبه های علمی پوهیالی تا پوهاند توسط پروفیسور دکور احمد جاوید یک فارسی / دری زبان بدون تبعیض لسانی طرح شده بود و اصطلاح دانشگاه قدامت هفده قرن با تاسیس دانشگاه جندی شاپور دارد. فرهنگ اکادمیک به فرهنگ دهشت و ضدیت به علوم عصری که علم کفار تا به زده شد تبدیل گردید. دانشگاه ها را مسدود کردند تا بتوانند به کوریکولوم مترافق شریعت اسلامی یا همه تدریس به لسان پشتو شود باز نمایند. عضو مهم جامه که اهل اناث اند از تحصیل علوم دانشگاهی محروم ساختند. اخلاق دانشمندی به اخلاق ضد تحصیلات که ضد «طلب العلم فریضة علی کل مسلم، اقراء و القلم و ما یسطرون» و «علم را طلب کن و لو در چین باشد»، تبدیل گردید. طالب ظالم جامعه دانشمندان را بیگانه دور از علم و دانش و تکنالوجی و عقب مانده از کاروان تمدن که با زحمات زیاد به جایی رسیده بود، تبدیل نمود. دانشمند بزرگوار عنایت شریف در پروگرام رویداد ۱۲ دسمبر سال ۲۰۲۲م خود چنین بیان داشتند: «وزیر تحصیلات عالی طالبان که خود را شیخ الحدیث می نامد گفته است، رسول الله فرمود: به زنان خواندن و نوشتن یاد ندهید پشم ریشتن نشان دهید» و ادعا کرده که حدیث صحیح و مؤثق است؛ چو کفر از کعبه برخیزد کجا ماند مسلمانان! رییس جدید دانشگاه تخار امر داده که از واژه های بیگانه دانشگاه ودانشکده در ترانسکرپت و دیپلوم استفاده نکنند. بناء، پیشنهادات ذیل را عرض میدارم:

\*مادران دانشمند و مزین با علوم عصری فرزندان دانشمند که قوی، سالم، هوشمند که به اسانی دردم فتنه گرهانی افتند به جامعه تقدیم میکنند؛ باید هرچه زودتر درب دانشگاه ها به رخ جوانان اناث ما با کوریکولوم علوم عصری و تکنالوجی باز گردد.

\*دانشگاههای افغانستان باید به استانداردهای بین المللی دوباره به تحصیل بپردازند.

\*علوم عصری که ممکن بعضاً از طرف متخصصین غربی و شرقی تدریس شود طالب ظالم فتوای علوم کافر داده اند؛ نماینده جهالت و نادانی است. خدواند است که «علم الانسان ما لم یعلم» یعنی به «انسان» نه ملا و مولوی علم آموخت؛ این نوع روش ضد اسلامی توقف داده شود. (صفحهٔ هشت)

**نوت:** این بود آنچه من از تجارب شخصی و طبایعت خود آموخته ام ولی به گسترش بیشتر ضرورت دارد که باید متخصصین فن کمک نمایند.

**همسایه ها:** افغانستان همسایه های عجیبی دارد. همسایه های شرقی و غربی مسلمانها هستند. قرآن مجید درسوره ۴ النساء آیه ۳۶ در باره ای همسایه فرموده است: «...به همسایه نزدیک و همسایه دور و معاشر دوست و نزدیک نیکی کنید...». احادیث متعدد رسول الله در بخاری (ترجمه احراری جلد ۶ ص ۵۰۴) در کتاب ادب باب ۲۹ زیر عنوان «گناه کسی که همسایه اش از شرارت هایش در امان نباشد» ذکر گردیده است. متأسفانه هیچ یک شان نه از قرآن و نه از حدیث پیروی دارند. مخصوصاً پاکستان با تربیت طالب و جنگ های نیابتی تباه کن، در افغانستان کسی را نگذاشته اند، که بدون گزند مانده باشد. همسایه شمالی ما در وقت اتحاد جماهیر شوروی از طریق کمونست ها بر ما حمله کردند و نزد من مسؤول همه نا به سامانی های امروز ما هستند. چین درین اواخر از طریق پاکستان شروع به شرارت کرده است. بناء، نکات ذیل را پیشنهاد میکنم:

\*قوای سرحدی منظم و قوی به کار آغاز کند و گزمه های هوایی و زمینی مرتب انجام یابد.  
\*مهاجرین که از هر دو طرف به افغانستان رجعت داده داد سجل شده نشان انگشت شوند.  
\*از تصادم سرحدی جلوگیری شود.  
\*از ورود و صدور مواد قاچاقی جلوگیری صورت گیرد.

\*برامورگرکات بنادرسرحدی نظارت جدی باتقررمامورین جدی گرفته شود.

\*از تجاوز پاکستان که مایل ها در سرحدات جنوبی پیش آمده اند تحقیق صورت گیرد.

\*تهانه های که در خاک افغانستان تعمیر شده ملکیت افغانستان شمرده شود.

\*از ورود جاسوسان همسایه ها در سرحدات شرقی و غربی به جدیت جلوگیری شود

**نوت:** این بود آنچه ما هر روز میشنوم و متاثر میگرددیم ولی مامورین امنیتی و نظامی میتوانند به صورت گسترده تر پلان ها طرح نمایند.

**خارجی ها:** مقصد من مداخله انگلیس، روسیه و امریکا است که زندگی مردم رنج کشیده و ستم دیده ای ما را به جهنم مبدل ساخته اند. لیدر این گروه انگلیس است که اضافه از ۲۸۰ سال بر ملک ما تجاوز نموده است. یک گروه پتان یا پشتون را جهت بر آوردن اهداف خود گاهی به ضد روسیه و زمانی به ضد ایران و نا آرامی منطقه از طریق عضو کامنولیت خود پاکستان حمایت و کمک کرده است. همفر جاسوس شان پرده از اسرار شیطانی وزارت کامنولیت برداشته اثرش را باید هر فرد مسلمان بخواند و به دقت بخواند. برای همه تجاوز روسیه شوروی بر افغانستان آشکار بوده فامیلی نیست که از گزند انسان کشی شان متضرر نشده باشد. از کشتن شاگرد صنف هشتم حبیبیه تا ملنگ چرسی روی بازار تا محصلین و استادان دانشگاه ها تا تاجران و فارمسیست ها تا سالخوردگان ۸۰ ساله تا مخالفین سیاسی همه را به قتل رساندند. امریکا از طریق دامن زدن جنگ های نیابتی که پاکستان بر ملک ما وارد ساخت و جوانان ما را به قتل رسانید؛ ملیونها افغانستانی ها را تبعید ديار بیگانگان ساخت. حرکت های ظاهراً دوستانه اجنت های خود را با مصرف بلیونها دالر بر دوش مردم وطن ما تحمیل نمود. داعش را خلق کردند و طالب تروریست را بر مردم ما حاکم ساختند. بناء، چند کلمه پیشنهادات ذیل را عرض میدارم:

\*اینها زیر هر نام و نشانی که حمله میکنند حربه قوی شان دالر است؛ نباید در دام افتاد.

\*همیش متوجه بود که پلان های امدادی شان برای مدد مردم است یا وسیله برای بر کرسی عمل تکیه دادن اهداف.  
\*وقتیکه پلان امدادی همراه با تهدید باشد باید دانست که زیر کاسه نیم کاسه وجود دارد.

\*همه افغانستانی ها خاین و اجنت نیستند ولی باید با درک زبان جسم شان و تکرار استفاده های نا جایز شان اجنت های خارجی را شناخت و پرده از چهره ها برداشت.  
\*هر کشور حتی امریکا به کمک اقتصادی و پولی ضرورت دارد ولی پیمان ها باید بدقت علاجی شود.

\*اجنت ها و خاینین تحت هر پوششی که خود را پنهان کرده اند پیدا و بسویه محلی، کشوری و جهانی محاکمه شوند.  
\*کوشش شود تا حتی المقدور از منابع مادی و معنوی خود استفاده نمود.

\*بروز (۲۰ نوامبر) از تلویزیون افغانستان انترنشنل شنیدم که امریکا به وزیر داخله سرپرست افغانستان چهار بلیون افغانی با

داکتر غلام محمد دستگیر برومفیلد، کلرادو

## پیشنهاد حل چند مشکل وطن عزیز ما مقاله سفید یا (3) White paper

دوستان عزیز وطنداران جلیل القدر: در بخش اول و دوم به لست چند مشکلات و پیشنهادهای در باره ای یسوادى، تفوق طلبی قومى، عدم احترام به فرهنگ، استفاده نادرست از دین، عدالت اجتماعى و عدم مساوات، کمبود وطندوستان راستین، ملت و هویت و نبود اتفاق را مطالعه فرمودید؛ در بخش سوم به شناخت دشمن، بی اعتمادی، همسایه ها، خارجی ها، مسایل اجتماعى، اخلاق دانشگاه و صحت عامه آشنا میشوید:

**شناخت دشمن:** فرهنگ فارسى عمید دشمن را چنین معرفی نموده است: بدخواه، عدو، خصم، ضد دوست، کسی که بدی و زیان کسی دیگر را خواهد و کینه از او در دل داشته باشد. متأسفانه افرادی وجود دارد که هر کس مخالف آیدیلوجی شان سخن گفت اورا دشمن میشمارند. دشمنی کلمه منحوسى است که در قرن ۱۸ توسط انگلیس ها و در قرن بیست توسط روسها معرفی و دامن زده شد. زیرا این دشمنان دین و دنیای ما آرزو ندارند که ما «پشه در گوش فیل» باشیم یا «مورچه آسا» اتفاق داشته باشیم. اتفاق مردم ما شکست دشمن است. در محیطی که دوست و دشمن شناخته نشده باشد بحران های جبران نا پذیر رخ میدهد. دشمن چهره های متنوع دارد. دوستان جاناجانی شما را برای تان دشمن و قاتل تان ساخته میتوانند. یسوادى هم دشمن سر سخت جوامع ما میباشد. انترنت و هوشمند مصنوعى (AI)دشمن جدی و مفسد دیگر است. لیکن دشمن حقیقی کسی، گروه یا کشوری است که بر کلتور و فرهنگ ما حمله دارد و برای تباهی آن کوشان است. بد نیست درینجا بیتی از شاعر شیوا بیان و سخن سرای نیکوی ما دکتر شیوا رحیمی را تقدیم دارم:

بی سبب آن نیست که شاعر بگفت نکته زیبا اوچه ماهر بگفت دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود بناء، نکات ذیل را پیشنهاد میکنم:

\*عنونه دشمن داری باید ملعون شمرده شود. \*وطن دار به هر قوم و زبان و دین و مذهبی که باشد دشمن نیست. \*باید عوض نیمه خالی گیلان نیمه پر دیده شده وطندار نباید دشمن فکر شود.

\*دشمن را باید از خم خم رفتنش تشخیص نمود و برضدش اقدام کرد، گریز جواب نیست. \*دشمن حقیقی کسانی اند که قرنها در پی تخریب، جنگها و بی اتفاق درملک ما بودند. \*در انتخاب دوست به نظر من باید پرانوید بود. \*مقوله ایست که میگوید: «با هر کس بخند ولی بر هر کس اعتماد مکن». \*دشمنان عنعنوی مانند انگلیس و کامنولیت آن به دوست تبدیل نمیشود؛ باید ناظر اوضاع بود.

\*جوانان باید از دشمنان دین و دنیای ما آگاهی حاصل کنند.  
\*کمک های دشمن برای ما نه بلکه برای جمع آوری مفاد خود شان است؛ هوشیار باشید. \*معمولاً متفق شدن منبیه بکار دارد. منبیه ما حکمرانی گروه طالبان ظالم است؛ متفق شوید.  
**نوت:** این بود آنچه به نظر من مهم تلقی شد امید دانشمندان و محققین بر این موضوع تباهکن روشنی بیشتر اندازند.

**بی اعتمادی:** اعتماد را فرهنگ فارسی داکتر معین چنین معنی داده است: تکیه کردن بر، وا گذاشتن کار به کسی، وثوق، اطمینان، اتکاء به خود. بدون اعتماد به خود و یا دیگران پیشرفت امور روزمره دشوار میشود. امروز استخدام به اساس اعتماد صورت میگردد تا به مامور یا مستخدم امور محوله را اعتماد گرد و به او وا گذاشت. ولی برای اینکه اطمینان حاصل شود ریفرنس ها خواسته میشود تا فرد قابل اعتماد انتخاب شود. اعتماد کسب میشود داده نمیشود. بناء، نکات ذیل را پیشنهاد میکنم.

\*اگر اعتماد شکست ترمیم آن خیلی ها گران تمام میشود؛ از شکست اعتماد حذر شود. \*برای جلب اعتماد باید ساعی بود. \*کینه ورزی زهر کشنده ای اعتماد است. \*اراده ای استقامت باید موجود باشد قسمیکه شهیدمیوندوال استادمنطق درلیسه حبیبیه دیپلمات و مطبوعاتی متبحردر پای استعفانامه خود به شاه نوشت: لکه ونه مستقیم په خیل مکان یم که خزان راباندی راشی که بهار (دیوان عبدالرحمان بابا صفحه ۳۵ یونیورسیتی بوک اجنسی) \*برای جلب اعتماد، «اهداف صادقانه» شریک ساخته شود. \*جالاکی، وعده خلافی، درجان زدن، و فریبکاری اعتمادازبین می برد.

**Maids Weekly**  
**12286 Ashmont Ct. # 202**  
**Woodbridge, VA 22192 -7075 U.S.A.**  
**Tel/Fax : (703) 491-6321**  
**mkqawi471@gmail.com**

**ناشر و مدیر مسنول: محمد قوی کوشان**

محمداکرام اندیشمند

## انتخابات پاکستان و امنیت بعد از آن...

هشتم فبروری ۲۰۲۴، پاکستان کشوری دارای نظام فدرال با جمعیتی بیش از ۲۴۱ میلیون نفر که از میان آن ۱۲۸ میلیون نفرواجد شرایط رایدهی هستند، انتخابات ملی و ایالتی دارد. مردم واجد شرایط رای دهی سحرگاه امروز برای انتخاب اعضای شانزدهمین مجلس ملی و هم چنان انتخاب اعضای چهار مجلس ایالتی علی رغم انفجارهای خونین دیروز در ایالت بلوچستان که صد کشته و زخمی بجا گذاشت، به پای صندوق های رای رفتند.

آخرین انتخابات پارلمانی پاکستان در جولای ۲۰۱۸ برگزار شد که در آن، حزب تحریک انصاف پاکستان به رهبری عمران خان که آن زمان از حمایت ارتش پاکستان و استخبارات نظامی آن، آی اس آی برخوردار بود، به پیروزی دست یافت و به نخست وزیر کشور رسید. عمران خان که دو سال پیش با ارتش و آی اس آی در افتاد، از قدرت برافتید و حالا در زندان به سر میبرد. او تا اکنون در زندان درسه پرونده یادوسیه به چهارده سال، ده سال و هفت سال زندان محکوم شده است و گفته میشود که هنوز دوسیه های دیگری برای بررسی دارد که ممکن است همچنان به زندان محکوم شود.

در انتخابات امروز پاکستان احزاب سیاسی نقش عمده دارند و بیشترین نامزدها از احزاب سیاسی هستند، هر چند که نامزدهای مستقل نیز دراین انتخابات کم نیستند. یکصد و بیست و هفت حزب سیاسی در پاکستان ثبت شده که شمار زیاد شان در این انتخابات نامزد معرفی کرده اند. البته احزاب مشهور و بانفوذ به کمتر از ده حزب میرسد، اما رقابت جدی در انتخابات میان سه حزب بانفوذ مسلم لیک نوازشریف، حزب مردم به رهبری بلاول بوتو و تحریک انصاف برهبری عمران خان است که در زندان به سر میبرد. هرچند بسیاری از نامزدان تحریک انصاف به عنوان نامزدان مستقل وارد کارزار انتخابات شده اند.

پارلمان پاکستان؛پارلمان پاکستان متشکل از دو اتاق یا دو مجلس نمایندگان و مجلس سنا است. مجلس ملی یا مجلس نمایندگان پاکستان، ۳۴۲ کرسی دارد که شصت کرسی آن به زنان و ده کرسی به اقلیت های مذهبی اختصاص یافته است. در انتخابات امروز ۵۱۲۱ نفر کاندیدای این کرسی ها است که از میان نامزدان ۴۸۶۶ نفرشان مرد و ۳۱۶ نفر دیگر شان زنان هستند. اعضای مجلس ملی یا مجلس نمایندگان پاکستان برای پنج سال انتخاب می شوند.

مجلس سنای پارلمان پاکستان به عنوان یک نهاد قانونگذار متشکل از ۱۰۴ عضو است که هر یک از اعضای آن یک دورهٔ شش ساله را به پایان میرسانند. این مجلس هیچگاه منحل نمی شود. تمام اعضای مجلس سنا یک باره انتخاب نشده بلکه هر سه سال یکبار نیمی از اعضای مجلس سنا و نیمه دیگر سه سال بعد انتخاب می شوند. هر ایالت ۲۳ عضو در این مجلس دارد و باقی اعضا به پایتخت کشور، علما، زنان و اقلیت های مذهبی تعلق می گیرد.در حالیکه صدراعظم پاکستان که قدرت اجرایی و رهبری حکومت را بدست دارد از حزب برندهٔ انتخابات یا ائتلافی از احزاب به رهبری حزب پیشتاز توسط مجلس ملی یا مجلس نمایندگان انتخاب می شود، اعضای هر دو مجلس نمایندگان و سنا ریس جمهور را انتخاب می کنند. بربنمای قانون اساسی پاکستان، ریس جمهور نماد وحدت نظام و دولت است که مدت کار آن پنج سال می باشد. اعضای شورای عالی قضا از جانب رئیس جمهور تعیین می شود و رییس ارتش پاکستان به پیشنهاد صدراعظم و حکم رئیس جمهور منتصب می شود. صدراعظم و وزیران حکومتش که توسط وی معرفی می شوند، عضو پارلمان می باشند.

ایالت های پاکستان؛ جمهوری اسلامی فدرال پاکستان دارای چهار ایالت پنجاب، سند، خیبرپشتونخوا و بلوچستان است که هر کدام این ایالات چهارگانه، پارلمان یا مجلس ایالتی دارند. مجلس یا شورای ایالتی، صدراعظم ایالتی یا به قول خودشان وزیر اعلی یا سرورزیرا انتخاب می کنند. شمار کرسی های مجلس ایالتی چهار ایالت پاکستان مبتنی بر جمعیت ایالات است. ایالت پنجاب با داشتن بیشترین نفوس، ۳۷۱ کرسی پارلمان یا شورای ایالتی دارد. پس از آن ایالت سند دارای ۱۶۸ کرسی، ایالت خیبر پشتونخوا ۱۲۴ کرسی و ایالت بلوچستان ۶۵ کرسی است.

بلتستان منطقه ی خودمختار در کشمیر تحت اداره ی پاکستان اخیرا به سطح ایالت ارتقا یافته است که بدین ترتیب شمار ایالات پاکستان به پنج ایالت میرسد. بلتستان یک منطقه ی بسیار زیبای کوهستانی است که در نزدیکی کوه‌های قره‌قروم در جنوب قله کی ۲، دومین کوه مرتفع جهان قرار دارد. بلتستان از غرب با گلگت، از شمال با سین کیانگ چین، از جنوب شرقی با لداخ و از جنوب غرب با دره کشمیر همسایه است.

حزب برنده و صدراعظم آینده؛ به نظر میرسد در انتخابات امروز، حزب مسلم لیک نوازشریف که از حمایت ارتش برخورداراست با بردن کرسی های بیشتر و سپس با ائتلافی از احزاب سیاسی مورد

نظر ارتش، برندهٔ انتخابات شود و نواز شریف برای چهارمین بار به رهبری حکومت پاکستان یا مقام نخست وزیری برسد.

نواز شریف ۷۴ سال عمر دارد وپسر محمدشریف صاحب صنایع فولاد در شهر لاهور مرکز ایالت پنجاب است. او در سال ۱۹۸۱ در زمان زمامداری جنرال ضیاءالحق وارد سیاست شد. نخست به وزارت مالیه در حکومت ایالتی پنجاب دست یافت و سپس وزیراعلی یا صدراعظم ایالتی پنجاب شد. او از آن بعد با ارتش پاکستان روابط بسیار نزدیک برقرار کرد و در دوران جنگ مجاهدین افغانستان علیه قوای شوروی و دولت حزب دموکراتیک خلق از متحدان نزدیک جنرال ضیاءالحق حامی مجاهدین بود.

نواز شریف سپس در سال ۱۹۹۰ به مقام نخست وزیری پاکستان رسید. او تا سال ۲۰۱۷ دو بار دیگر نیز به عنوان صدراعظم پاکستان انتخاب شد اما در هیچ یکی از این سه دور در اثر انحلال مجلس ملی پاکستان توسط نظامیان، یک دور کامل پنج ساله را در این مقام به پایان نرساند. قابل تذکر است که دولت اسلامی مجاهدین در اپریل ۱۹۹۲(ثور ۱۳۷۱) در زمان صدارت نواز شریف با تلاش و میانجیگری او در دفتر فرمانداری پشاور (گورنرهاوس پشاور) شکل گرفت که نتوانست موجب وحدت مجاهدین و تداوم ثبات سیاسی شود و از وقوع جنگ و بی ثباتی در افغانستان جلوگیری کند.

نواز شریف در سال ۲۰۱۷ در دور سوم صدارتش به اتهام فساد با حکم دادگاه در واقع به خواست ارتش برکنار شد. هرچند اتهام فسادرا نپذیرفت اما بعداً محکوم و زندانی شد و سپس اجازه یافت تا برای تداوی به لندن برود. او حدود چهار سال را در تبعید ماند و در اکتبر سال گذشتهٔ ۲۰۲۳، در واقع با حمایت ارتش پاکستان که از عمران خان صدراعظم روی گشاندۀ بود و شهبازشریف برادر نواز شریف جای عمران خان را گرفته بود ، به پاکستان بازگشت.

از چهره های دیگری که هوای رسیدن به صدراعظمی پاکستان را دارد، بلاول بوتو زرداری، رهبر حزب مردم پاکستان، جانشین مادرش بی نظیر بوتوی مقتول است. بلاول ۳۵ سال عمر دارد و برآمده از یک خانوادهٔ معروف سیاستمدار و ثروتمند ایالت سند پاکستان است. پدربزرگش ذولفقارعلی بوتو در دوران تجزیهٔ پاکستان شرقی که کشور بنگله دیش تولد یافت، به نخست وزیری پاکستان رسید که سپس با کودتای جنرال ضیاءالحق برکنار و در یک پرونده ای که برایش ساختند، اعدام شد. مادر بلاول بی نظیر بوتو بود که وقتی او ۸۱روز عمر داشت، مادرش به نخست وزیری پاکستانی رسید. پدر بلاول، آصف زرداری است که یک دوره مقام ریاست جمهوری پاکستان را بدوش داشت. بلاول فارغ التحصیل کالج کلیسای مسیحی در دانشگاه آکسفورد بریتانیا است و زمانی که در سال ۲۰۰۷ مادرش بی نظیر با شلیک جنگجویان طالبان پاکستان به قتل رسید، رهبری حزب مردم پاکستان را در دست گرفت. اما به نظر میرسد که ارتش پاکستان بلاول را به عنوان رهبر حزب مردم بصورت اپوزیسیون در پارلمان آیندهٔ پاکستان برای جابجایی آینده نگهدارد.

از مولانا فضل الرحمن رهبر جماعت علمای پاکستان نیز که با ارتش روابط نزدیک دارد، به عنوان صدراعظم آینده نام برده می شود. جهانگیر ترین تاجر هفتاد سالهٔ شکر و موسس حزب استحکام پاکستان و هم چنان مریم نواز شریف دختر پنجاه سالهٔ نواز شریف دو تن دیگر نیز از کسانی اند که برای مقام نخست وزیری مطرح می باشند.

عمران خان صدراعظم پیشین نیز و حزب تحریک انصاف به رهبری او یکی دیگر از برندگان احتمالی انتخابات پارلمانی گفته می شود که البته با توجه به محکومیت های وی که در زندان به سر میبرد و محدودیت های شدیدی که بر تحریک انصاف وجود دارد و مخالفت ارتش و آی اس آی با آنها، بختی برای صدارت مجدد عمران خان وجود ندارد.

اینکه در انتخابات امروز کدام حزب برود و چه کسی به نخست وزیری برسد، از نقش تعیین کننده و اصلی ارتش و استخبارات نظامی آن، آی اس آی در سیاست و مدیریت پاکستان در هر دو عرصهٔ داخلی و خارجی نمیکاهد و هیچ حزب و صدراعظم و حکومتش نمیتواند بیرون و مستقل از سیاست و استراتژی ارتش پاکستان، دولت و حکومت را رهبری کند. به خصوص سیاست خارجی پاکستان در مورد همسایگان خاصاً هند و افغانستان و هم چنان منطقه و جهان توسط ارتش کنترل و مدیریت می شود.

پاکستان که از نظر اقتصادی درگیر بحران است و ۱۱۰ میلیارد دالر بدهی خارجی دارد، از نظر امنیتی نیز توسط تی تی پی و جدایی خواهان بلوچ گرفتار چالش جدی می باشد. پس از تشکیل حکومت منتخب دیده شود که آیا پاکستان می تواند از هر دو چالش اقتصادی و امنیتی با موفقیت گذر کند و به تنش ظاهری با طالبان در افغانستان بر سر تی تی پی نقطهٔ پایان بگذارد وبرچالش تی تی پی همانگونه که میخواهد غلبه حاصل کند؟ اگر پاکستان پس از انتخابات نتواند مشکل امنیتی را در مورد تهدید تی تی پی حل کند و طالبان در افغانستان مطالبات پاکستان را در این مورد برآورده نسازند، اسلام آباد و حکومت منتخیش چه اقدام و راهکاری در پیش خواهند گرفت؟ /

عبدالناصر نورزاد

### چین محتاط در برابر افغانستان

چرا واخان مسیر ترانزیت میان دو کشور نمی شود.چین در برابر مسیر واخان که افغانستان رابا چین وصل میکند، محتاطانه برخورد می کند. دلیل اصلی این نگرانی ها، چه بوده میتواند؟ درادامه به بعضی از احتمالات می پردازیم:

- عمده ترین نگرانی چین از درک افغانستان، تهدید های فزاینده امنیتی است که به محرک اصلی حساسیت چین در برابر وضع موجود این کشور مبدل شده است. ایغور ها و در مجموع جنبش اسلامی ترکستان شرقی، بزرگ ترین تهدید امنیتی در برابر چین در منطقه است؛

- اگر این مسیر باز شود، خط مقدم و دفاعی چین در برابر دشمنانش، خواهد شکست. چون چین گذرگاه واخجیر را که در میان شبه‌نظامیان افغانستان و جمعیت اویغور در سین کیانگ واقع شده، خط مقدم مبارزه با تروریسم می‌داند. بنا به هیچ صورت این کشور، اجازه نمی دهد، راهی برای نفوذ شبه نظامیان ایغوری به داخل خاک چین، باز شود؛

- پاکستان در بی میلی چین نسبت بعضی از دلایل سیاسی، اقتصادی و امنیتی، نقش عمده دارد. اگر چنین شود که افغانستان مستقیما به چین وصل شود، پاکستان از لحاظ اقتصادی و امنیتی و هم مسایل سیاسی، یک طالبان خود مختار و غیر متکی را بخود خواهد داشت. در ضمن، این کار باعث می شود تا پاکستان بازار های اقتصادی و فروش تولیدات خود در افغانستان را از دست دهد؛

- چین در انتخاب های استراتژیک خود همانند ارجحیت مسایل اقتصادی، سیاسی و امنیتی، خیلی محتاط عمل می کند. بنا اگر مسیر واخان باز شود، ممکن خطرات امنیتی آن به مراتب بیشتر از مفاد اقتصادی اش، باشد. این چیزی است که چین آن را نمی خواهد؛

- چین به هیچ صورت نمی خواهد، با باز شدن مسیر واخان، نقطه ی ضعفی از خود نزد شبه نظامیان ایغور، داشته باشد. زیرا در صورت چنین کاری، کاروان های تجاری از چین، به منبع اصلی باج گیری و افزایش تقاضا های سیاسی ایغور ها در پکن، مبدل خواهد شد؛

- پاکستان بنا بر اشاره امریکا و انگلیس، اجازه نمی دهد تا چین از طریق زمینی به منابع، جغرافیا و موقعیت استراتژییک نظامی، مسیر زمینی داشته باشد. این تجربه در مورد تهاجم اتحاد شوروی سابق در سال ۱۹۷۹ نیز صادق است که ابتدا گذرگاه سالنگ را ساختند و بعدا از مسیر آن، به تهاجم نظامی در افغانستان دست زدند؛

- پاکستان تلاش دارد تا چین با طالبان نزدیک نشود و یگانه راه تامین روابط و داد وستد، ازمسیراسلام آباد بگذرد. این کارباعث می شود تا طالبان نسبت به چنین انتخاب استراتژیک و حیاتی، قدرت عمل بیشتری نداشته باشند؛

- طالبان نیز با چین محتاطانه رویه دارند. هرگونه تغییر در رفتار با چین، باعث می شود تا سایر گروه های تروریستی متحد طالبان در افغانستان، مخصوصا جنبش اسلامی ترکستان شرقی، نسبت به این تحول، واکنش جدی نشان دهند که این کار به مثابه انفجاری در درون طالبان خواهد بود؛

- چین الی اقدام قاطعانه طالبان در برابر ایغور های که در افغانستان اند، منتظر فرصت مناسب برای باز کردن این مسیرخواهد ماند. هنوز هم طالبان نتوانسته اند، نسبت به تعهدات شان در برابر ایغور ها در افغانستان، رفتار و عملکرد قناعت بخشی داشته باشند؛

- از اینکه قرار گاه اصلی نیروهای خوابیده تروریستی خارجی، در شمال شرق افغانستان خواهد بود و مخصوصا مسئله داعش خراسان که به یک تهدید راهبردی در برابر امنیت منطقه و چین، مطرح است و قرار گزارش ها، اکثریت نیروهای ایغور، تمایلی زیادی نسبت به پیوستن به داعش دارند. بنا باز شدن یک مسیر زمینی به سوی چین، بسیار پر مخاطره تر نسبت به مفاد اقتصادی آن، خواهد بود.

چین در منطقه با تهدیدهای گوناگونی مواجه است. از سیزده همسایه هم مرز با چین، این کشور با اکثریت، مشکل امنیتی و سیاسی دارد. اگرچه چین برای داد و ستد اقتصادی، مفاد مالی و تامین وجوه در آمد، بسیار اهمیت قایل است و اکثریت حضور چین در مناطق مختلف جهان، در سایه همین معادله از طرف چینایی ها، توجیه می شود، اما تهدید های امنیتی، احتمالات امنیت زدا برضد امنیت این کشور، در اولویت سیاست های امنیتی چین، باقی می ماند. چین امروز، مجبور است برای حفظ امنیتش، با استفاده از حربه های اقتصادی، مالی و راهکار های سیاسی، دست به اقدامات امنیتی نیز بزند که افغانستان با توجه با حجم تهدید های امنیتی، حضور گروه های تروریستی خارجی و موقعیت حساس آن برای چین، نمی تواند، خالی از این دست محاسبات باشد. /





## مشتاق احمد کریم نوری

### پاسداشت زبان ها. حرمت فرهنگ ها

دانی چه بوده است به مردم پیام حق

یعنی که حق بسنج ، و بگو حق به نام حق زبان مادری یادگار ماندگار محسوب می شود و یک غنای بزرگ فرهنگی و یک سرمایه بزرگ معنوی شمرده می شود . چیزی که حال و آینده یک جامعه و فرهنگ و تمدن را به هم پیوند می دهد زبان آست زبان وسیله افهام و تفهیم و مور د استفاده و افاده گفتگو تمدن ها و ارتقای فرهنگها و تقویه جامعه است.

برای این شماره ماه فبروری در باره روز جهانی زبان مادری صحبت خواهیم کرد و بایک نازک طبعی، که کودک از پدرش می پرسد که چرا زبان مادری می گویند ، و نمی گویند زبان پدری ، پدرش لاجرم گفت ، به شرطی که مادرت مره ده گپ زدن بماند . از شوخی که بگذریم ، زبان مادری به زبانی گفته می شود که اطفال درآغازین زندگی اش باصدا وتون آواز و نوع سخن زدن مادرش بلد وآشنا می شود. و اطفال سخن گفتن را با آن زبان اول یاد میگیرند . همان زبان مادری پنداشته می شود. و همه ساله به تاریخ ۲۱ فبروری به عنوان روز جهانی زبان مادری از طرف موسسه تعلیمی و تربیتی و فرهنگی یونسکو وابسته به سازمان ملل متحد تجلیل و تجلیل می گردد.

درسال ۱۹۵۲ م محصلین دانشگاه های مختلف در شهر داکا پایتخت کشور بنگله دیش که درآنوقت بعد از تجزیه هند وستان ، باعث زایش و پیدایش کشور پاکستان گردید و در آن وقت بنگاله دیش جز کشور پاکستان شده بود و مربوط پاکستان شرقی بود ، بلوا از آن جا شروع شد که بازایش و پیدایش پاکستان ، آنان صرف زبان اردو را زبان رسمی و ملی قلمداد نمودند و زبان بنگالی را در حاشیه قرار دادند ، اهالی داکا به خصوص محصلان دست به تظاهرات زدند و طرح مقاومت آرام را سازمان دادند در دانشگاه داکا که قوای ضربه و نیرو های پولیس به روی محصلان شلیک نمود و فضای مسآلمت آمیز را به محیط قهر آمیز مبدل نمود ، چندین محصلین کشته شدند ولی مقاومت وارد فاز جدید شده بود که حق گرفته می شود و داده نمی شود. این روز بیان می دارد که سلطه و سیطره زبانی و تباری و محروم ساختن قشر و کتله از مردم ، از زبان های مادری شان ، در اصل و واقع انقراض زبانها و لهجه هاو قلع و قمع شدن وگسست را در مناسبات انسانی و طبیعی و تاریخی و ادبی را بار می آورد .

یونسکو و در مجموع سازمان ملل متحد هشدارمی دهد که در جمله شش هزار زبانها و لهجه های که در گیتی موجود است ، نیم و نصف آن که سه هزار می شود از زبانها درحالت انقراض قرار دارد وبه همین خاطر ملل متحد توصیه می نماید که رهبران دنیا که به سازمان ملل متحد می آیند باید به زبانهای مادری شان صحبت نمایند، و صحبت کردن به چند زبان رایج و مطرح دنیا ، خوب است اما افتخاربه کسانیکه به زبان های مادری شان صحبت می نمایند .

بایددانست که مرگ و کم رنگ کردن ویاسوتاژ و نادیده گرفتن یک زبان ، در واقع مرگ تدریجی ، قسمتی از بدنه و قسمتی از فرهنگ و ثقافت گنجینه های بشری اند که نادیده انگاشتن و صحبت نکردن بدان ، ضربات کوبنده به زبان مادری و غنամندی بشری می زند و هم یک زبان کم کم به فراموشی سپرده شده و رو به انقراض می رود .

انگیزه اینکه راجع به این بخش یکبار دیگر خواستم ترکیز نمایم همین انتخابات کشور همسایه پاکستان بود که محسن داور یکی از لیبران خیبر پشتون خواه در جریان ( انتخابات ) آن کشور زخمی شد و اذهان عامه معتصبان و سکولار و لائیک و همه برای یک دولت سکولار گویا که نظر و رأی دادند ولی در افغانستان معیار رأی و باز شدن مکاتب و فرا گیری تکنالوجی معلوماتی را همان معتصبان از ورأی دیورند مباح قلمداد می نمایند رأی و نامزد شدن را بغاوت و سر پیچی می دانند و فتوا صادر می نمایند که بیعت نمایند سابق گفته می شد که دموکراسی را برای فرزند همسایه می خواهند، و امروز بر عکس (دموکراسی ) را برای کشور خود شان می خواهند و برای دیگران بی مکتبی و بی کاری و بی انتخابی و بربریت، را طلب می دارند. ولی باز هم و هنوز هم از طرف جمهوریتهی خواهان دیروز و افغانستانی و اماراتی ها ، ، پاکستان کشور دوست پنداشته می شودبلی یک دوست نما نه دوست خوب، دوست خوب تاجکستان بود که اصل انتخابات و نظام مردم سالاری را برای کشور همسایه شان بلند نمود و در چنبره ملل متحد در مجمع عمومی و در جنرال اسامبله همین سپتمبر گذشته مطرح داشت که حکومت مردم برای مردم در افغانستان ، می تواند باعث ثبات و دوام و قوام امنیت در آسیای میانه، و منطقه و در مجموع جهان شود .

## پیشنهاد حل چندمشکل ...

که در دادگاه اخلاق طبابت جرم است. سیستم طبابت که اینجانب با پروفسور قدرت الله مجددی در Afghanistan Studies Journal The یا جورنال مطالعات افغانستان در جلد چهارم سال ۱۹۹۳م ناشر دانشگاه نبراسکا در اوماها،نوشته بودیم و پیشنهاد عملی، ارزان و ساده با خود داشت نادیده گرفته شد چون همه باید از NGOکشور های ذی علاقه پیروی میکردند و صدها میلیون دالر ته و بالا میشد. طب اجتماعی و وقایوی رو به تزلزل است. کس نتوانست که سیستمی را پیاده سازد تا دست تاجران قاچاق مریض را به هند و پاکستان کوتاه شود. صحت زنان در زمان طالب ها نظر به نبود اهتمامات صحی که خاصه خانمهاست امروز بدتر از زمانست که محترم زهره راسخ با همکارانش به نشر رساننده اند: (Rasekh Z, Bauer HM, Manos MM, Icoplano V. Women's Health and Human rights in Afghanistan. JAMA 1998;280 (5): 449-55) بناء، با تجارب چهل سال در طب اکادمیک جراحی و تحصیلات در کالج شاهی جراحان هدنبره و لندن پیشنهادات ذیل را تقدیم میدارم:

\*پرکتس طبابت در افغانستان به ستاندرد بین المللی عیار گردد.

\*صحت مردم جدی گرفته شده سیستمی ایجاد گردد که خادم مریض باشد.

\*فیس معین برای دو کتوران به سویه های مختلف تعیین گردد.

\*زایشگاه ها برای ولادت صحتمند و تولدات سالم ضروریست؛ نبود این سرویس جنایت است.

\*قابله ها و نرسها بدون تعصبات خرافاتی برای خدمت به خانمها تعلیم و تربیه شوند.

\*از فعالیتهای تاجران قاچاق مریض، دو کتوران شارلتان و مفسد و کارکنان صحی که درقریه خود را داکتر معرفی نموده قانوناً جلوگیری شود.

\*در مرکز هر ولایت شفاخانه های مجهز چندین تخصصی آباد گردد.

\*از سیستم که طی سال ها مفید ثابت شده حمایت شده تقویت شوند.

\*از رقابت سلیم کارکنان طب استقبال شده حمایت شوند.

\*شعبات متعدد که برای تشخیص اهمیت دارند بصورت مسلکی دوباره بکار آغاز نمایند.

\*جنگ ها، و ضربه های انتحاریون سال های متعدد اکثر مردم را متضرر ساخته فشار بیکاری و ستم کاری بر صحت دماغی شان صدمه وارد ساخته است؛ شفاخانه های صحت دماغی به اساس استاندارد بین المللی فقط برای بهبود صحت مریضان تاسیس شود.

\* طبابت با تعویذ و جادو یکجا جدا جلوگیری شده عاملین به محاکمه رجعت داده شوند.

\*طب اجتماعی، فامیلی ووقایوی به ستاندردین المللی دوباره عملیابکار شود.

\*مراکز تخصصی انتانی که سالانه وفیات زیاد دارد باید در هر ولسوالی به استاندارد بین المللی تاسیس شود.

\*اطاق های عاجل مجهز به تداویهای پیشرفته قلبی تنفسی به ستاندرد بین المللی آغاز یابد.

\*از طرح حلف دو کتوران که توسط انجمن دو کتوران اسلامی امریکای شمالی در کتاب «شناسایی با اخلاق طبابت» تتبع و نگارش داکتر دستگیر، فصل پنجم سوگند نامه ها صفحه ۹۱ استفاده شود.

\*در کنفرانس ها و سخنرانی ها از استفاده ای جبری و الویت دادن یک لسان جداً پرهیز شود.

نوت: این بود شمه از بهبودی اهتمامات طبی که تذکر یافت بعضی ازین اهتمامات که فعلا با پیروی از خدمت بمردم زیر چتر اخلاق طبابت بدون تبعیض فعال هستند حمایت شده در بهبودی بهتر تر شان از متخصصین اهتمامات طبی افغانستانی و خارجی معتبر استفاده شوند.(باقی دارد)

\*\*\*\*\*

بلی یک دوست خوب به قول ارسطو می تواند(پاد زهری) چندین دشمن باشد و شود. پاد زهر در انگلیسی Antidote ماده ایست که قادر به بی اثر کردن نوع خاص از مسمومیت باشد به قول فردوسی بزرگ ، حنثی کردن سم زدایی او را فزون بود بهر همی زهر بشناخت از پاد زهر .

از نوجوانی و جوانی و میان سالی که دیده می شود که این دوست نما ( پاک سرزمین ) به خود شان ( آرامش ) و برای همسایه ( رنجش ) می خواهند و سالهاست که ادامه دارد ، بهار و خزان می شود ولی تغییر نمی کنند . و این روش و منش ادامه دارد . به قول صائب تبریز :

## طالبان ونقض حریم خصوصی شهروندان

قانون خود به این اصل تاکید دارد که حریم خصوصی انسانها باید دور از دخالت همگانی بماند، و تا هنگامی که تصرفات خصوصی کسی زینانی ملموس به دیگران ندارد و سبب بهم خوردن نظم اجتماعی در قلمرو عمومی نمی شود، باید به آزادی های انسانها در حریم خصوصی شان احترام نهاد.

از سوی دیگر این نگرانی وجود داشته است که نبود هیچ گونه ضابطه مشخصی برای حریم خصوصی سبب هرج و مرج شود. پیدایش اخلاق ریشه در این نگرانی داشته است تا قلمرو خصوصی را ضابطه مند سازد. اخلاق بر آگاهی فردی و تقویت مشاعر انسانی تکیه دارد و مجالی نیست که حکومت ها و دستگاه های قدرت در آن دخالت کنند. دولت ها تنها در حوزه عمومی حق دخالت دارند، اما در چارچوب قانون و مقرراتی که بر اساس قرارداد اجتماعی و توافق همگانی پدید می آیند. طبعاً این مبحث بسیار پیچیده تر از این است که در این مختصر بگنجد، اما رویهمرفته امروزه می دانیم که یکی از عوامل ثبات در کشورهای مترقی تفکیک میان حریم خصوصی و حوزه عمومی است، و واگذاری یکی به اخلاق و دیگری به قانون.

طالبان و جریان های ایدیولوژیک بنیادگرا نه چنین درکی از وضعیت جامعه و سیر تاریخی اجتماعات انسانی دارند و نه با فلسفه حقوق و فلسفه اخلاق آشنایند. این گروه از دید باورهای ایدئولوژیک خود به انسان و به جامعه می نگرند، و از این رو دخالت در حریم خصوصی انسان ها را بخشی از صلاحیت های خود می داند. از این جهت است که نحوه پوشش زنان ابزاری برای سرکوب می شود، زیرا کنترل بر بدن زن یکی از میدان های قدرت نمایی برای دستگاه های سرکوب و اجبار است.

طالبان با افزودن فشارها بر زنان افغانستان و روی آوردن به مجازات کسانی که مطابق میل این گروه لباس نپوشد و زیر فشار قرار دادن خانواده های آنان، افغانستان را به سوی هرج و مرج دیگری سوق می دهند که عاقبتش برای مردمان این خطه جز تیره تر شدن روزگار نیست. این کار همزمان تلاشی برای انحراف اذهان و به حاشیه راندن مسایل اساسی این جامعه است که پرداختن آگاهانه مردم به آن ها می تواند بساط هر نظام استبدادی را برچیند. در چنین نظامی جایی به سخن گفتن از حقوق شهروندی، خدمات اساسی و نیازهای مردم نیست.. هر چه هست یکسره مکلفیت هایی است که حاکمان بر محکومان تحمیل می کنند./

\*\*\*\*\*

زروزگار جوانی خیرچه می پرسی چو برق آمد وچو ابرنوبهار رفت

اما دیده می شود که از جمهوریت اول تا ثانی و ثالث و رابع همه از داعیه خیبر پشتونخواه دفاع دارند و چنانچه دیده شد که در همین ( انتخابات ) پاکستان همین چند روز قبل محسن داور از فعالان جنبش پشتونخواه زخمی می شود ، و قدرتمندان که در داخل مانده اند و کسانیکه در فرار آخرین روز جمهوریت با چپک و یا پای لچ فرار نمودند و بعضی شان با ( بیل برق ) و ( کتا بچه صفایی ) از وطن بر آمدند اکنون به وطن خود ( بیعت ) و برای غیر خودی ها ( انتخابات ) می خواهند و از زخمی شدن گروه گروه از مردم خود بیخبراند ولی برای غیر خودی ها اشک تمساح می ریزند. بلی درهمین انتخابات گونه پاکستان محس داور زخم برداشت عینا مثل سابق که خاری اگر دریای اجمل ختک ، ولی خان و منظور پشتین داخل می شد این ها وانمود می کردند که کویا در جگر شان فرو رفته ، اما کشتار های دسته جمعی و حملات خونین در کشور خود شان با یک تسلیت اکتفا می شد و اکنون همه از محیط های دیگر که با چپک و پای لچ در روز اخیر جمهوریت فرار نموده اند پیام همدردی صادر می نمایند .

از نگاه بشری همدردی کاری خوبی است ، اما وقتی به ده ها و صد ها و هزاران ( داور ها ) بدون ( داوری ها ) سر به نیست می شوند و یا زخمی می گردند ، ولی لنگر همدردی و میلان جانبداری به طرف ( غیر خودی ها ) بیشتر می شود درد آور می شود و تأسف بار است و اینکه از چنبره زبانی و عینک سیاه و دودی نگاه شود و کتمان و سبوتاژ را بر بگزینند!

سازمان ملل متحد که همه ساله در روز جهانی پاسداشت از زبان مادری بدوش میکشد، همه ساله شعار هم به خاطر اهمیت زبان مادری صادر می نمایند ، رهبران و اثر گذاران جهان را متوجه می سازند تا عدالت نهادینه شود ، و همین زیانهاست که ارتباطات همگانی و استراتژییک را به وجود می آورد . و زبان واقعا عنصر جادویی و سحر انگیز جهان هستی پنداشته می شود، زبان از کلمات و واژه هاترکیب میگردد و همین زبان است که جهان را به دهکده مبدل نموده واستفاده از هر زبان و واژه پردازی بدان ، در واقع آب حیات است به زبانهای مادری و رمق و رونق تازه یی به گنجینه های بشریت است . که در مقال و مجال دیگر این موضوع را دنبال خواهیم نمودو بیشتر بدان خواهیم پرداخت و نفرین به کسانیکه سلطه و تکزبانی را ترویج وازفسادوانقراض حمایت میکنند. (ص پنج)

## شرح اشتراک هفته نامه امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰) دالر - یکسال (۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر - یکسال (۹۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه (۵۰) دالر - یکسال (۱۰۰) دالر

Omaid Weekly

12286 Ashmont Ct #202

Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321

Email: mkqawi471@gmail.com

## دموکراسی یا دولت اسلامی در افغانستان

رأی دادن در انتخابات، مساوات بین مرد و زن در ساحت سیاست، اشتیاق و اشتراک خانمهای مستعد در پارلمان و کرسی های بلند انتخابی، احترام کارکنان دولتی به سیاستها و طرز العملها و مقررات و احکام دولت و پیروی صادقانه از آنها، موجودیت قانون انتخابات و آزادی تأسیس و تشکیل احزاب سیاسی، دسترسی کافی کاندیدها به توان مالی برای پرداخت مخارج مربوط به مبارزات انتخابی، اعتماد مردم بالای احزاب سیاسی و داشتن شناسایی کافی از نامزدان، بلند بودن سطح سواد افراد جامعه، استعداد پی بردن به نظریات و برنامه های کاندیدها، دسترسی به کاندیدها غرض استماع بیانیه های ایشان و فراهم بودن امکانات برای افراد به منظور استجواب از کاندیدها، مهیا بودن شرایط و امکانات مساوی برای همه نامزدان در میدان مبارزات انتخابی، صداقت و راستکاری و راست گویی کاندیدها و مردم، امحای قلب از قبیل رشوت ستانی و خویش خوری و رأی شماری غلط و دستیابی به صندوقهای آراء، تسلط دولت بالای تمام نقاط مملکت که توان و علاقه برای تطبیق پروژه انتخابات صادقانه داشته باشد، مناسب بودن اوقات و محلات رأی دهی به گونه که رأی دهندگان به سهولت و با امن بتوانند آراء خود را به صدای آراء و در مواقع مشخص برسانند، عملی بودن انتخابات محلی و ولایتی بدون غل و غش، عدم فشار و زورگویی توسط زورمندان و عدم مداخله قوه های امنیتی و عسکری در انتخابات آزاد، مصونیت کاندیدها از تهدید و آسیب رسانیدن توسط طرفداران یک حزب به پیروان سایر احزاب، منزه بودن پروسه از تبعیضات لسانی و قومی و مذهبی و منطوقی، احترام و استقبال نتایج انتخابات از طرف همه و انتقال قدرت به حزب برنده در یک فضای آرام و پاک از تعلل و تشنج و کارشکنی، حفاظت در مقابل کودتا و سرنگون ساختن دولت توسط قدرتهای ناراض و ناکام، مجهز بودن قوای قضایی به قضات و مامورین کاردان و مسلکی و عادل، اطاعت از فیصله های قوای قضایی و محاکم در مسایل انتخابات، داشتن تکنوکراتهای لایق و صادق در امور مملکتداری، مصون بودن از مداخلات غرض آلود خارجیان در امور انتخابات، جدایی نسبی سیاست از دین، استقلال فردی رأی دهندگان از فشار متنفذین از قبیل پدر و مادر و شوهر و آرم و غیره، آزادی بیان و وفرت دستگاه های اطلاعاتی آزاد مثل انترنت برای پخش حقایق، آزادی و امکانات برای اعمال و تعمیم تفتیش بعدی نتایج انتخابات و رسیدگی به استغاثه های مردم و غیره و غیره، از التزاماتیست که یک نظام نسبتاً سالم دموکراتیک مستلزم و مستحق آن ها می باشد.

تطبیق نظام دموکراتیک در اکثر ممالک که پیروان می باشند به مشکلات خاص خود روبرو هستند. بطور مثال در ایالات متحده امریکا که از پیشتران این نظام بوده و دیگران را مصرانه به تطبیق آن تلقین میکند، از سال ۱۷۸۹ که قانون اساسی اش را در عمل پیاده کرد تا حال توانسته بعضی گره هارا بکشد و مسایل گنگ را گویا سازد. مثلاً امریکاهمین اکنون تلاش و مجادله دارد تا صلاحیتهای رئیس جمهور را که در بعضی موارد مهم گنگ و مبهم باقی مانده و مشاجرات پیهم راباعث شده سر از نو تعریف کند. افلاطون قرنهای پیش تأکید کرده که دموکراسی خرابترین نظام حکومتداری میباشد زیرا که در آن بنده های ضعیف مجبور به اطاعت از بنده های زورمند می گردند و باعث نشفت سوء استفاده ها می شوند و داوهای انتخاب شده معمولاً افراد کم دانش و مغرض و متعصب می باشند. بعضی دانشمندان دگر هم انگشت انتقادشانرا بالای یک سلسله نواقص دموکراسی گذاشته اند. به زعم آنها در دموکراسی به خواست های اقلیتها درست رسیدگی نمیشود، دستگاه های اطلاعاتی عمداً به سود بعضی گروهها و برضد بعضی گروهها مغرضانه تبلیغ میکنند، مصارف انتخاباتی رابالای برنده سبب ضیاع پول مالیه دهندگان می گردد، کشمکشها و تشنجات سیاسی را باعث میشوند و به وحدت ملی خدشه وارد میکنند، در جریان مسابقات وقت زیاد بمصرف میرسد و آنها برای انتخاب کاندیدها برای یک مدت کوتاه، قلب و دستبازها صورت می پذیرد و دروغ گویی و اتهامات زیاد نیز مولود این سیستم می باشد. (دنباله دارد)

پوشیدن بانوان در افغانستان، که هر چند مطابق با سنتهای دینی و عرفی این جامعه مشکلی ندارد، بهانه ای برای گروه طالبان شده است تا به دستگیری و آزار زنان پرداخته و از این طریق فضای ارباب را بر عموم شهروندان بگسترانند. طالبان برای توجیه موج جدید سختگیریها در برابر زنان افغانستان اصطلاح وارداتی «بدحجابی» را که از رژیم ولایت فقیه ایران وام گرفته اند به کار می برند تا آن را قابل قبول جلوه دهند. این اصطلاح تبلیغاتی از نظر این گروه بهانه موجهی شمرده می شود برای برخورد خشن با بانوان یک سرزمین، کاری که حتی در منظومه ارزش های سنتی افغانستان ناپسند است.

بسیاری می پرسند که آیا قباححت نحوه لباس پوشیدن دختران افغانستان بیشتر است یا دستگیری آنان به دست مردان خشن و خشمگین طالبان و حبس و آزارشان در بازداشتگاههای این گروه در معرض آسیب قرار می گیرند، چه آسیبهای روانی و چه آسیبهای جسمی.

دخالت در نحوه لباس پوشیدن دختران بخشی از یک مشکل کلان تر است، اصل به رسمیت نشناختن حریم خصوصی شهروندان که در قاموس فکری طالبان جایی ندارد. در آموزه های ایدئولوژیک این گروه نه تنها هیچ گاه از اهمیت حریم خصوصی در زندگی انسانها سخنی گفته نشده، بلکه آزادی های مردم در این عرصه بهانه ای برای توجیه جنگ، کشتار و انتحار بوده است. نظام های ایدئولوژیک در پی یکسان سازی مصنوعی جامعه به شکل دلخواه خود هستند، تا همه چیز به وفق مراد دستگاه قدرت سر و سامان یابد و آدمها به کتله هایی در خدمت حاکمان استحاله شوند. تفکیک میان حریم خصوصی و حریم عمومی به شکل ضابطه مند آن هر چند نتیجه تکامل دانش و آگاهی جمعی انسانهاست که در جهان مدرن صورت بندی نظام مند خود را پیدا کرده است، اما در جهان پیشامدرن، در آموزه های سنتی ادیان گوناگون، چه اسلام و چه دیگر ادیان، کم و بیش ریشه دارد. آموزه هایی مانند تحریم غیبت، تحریم تجسس در زندگی خصوصی مردم، تحریم پرداختن به اموری که ربطی به ما ندارد، تحریم بدگمانی و گمانه زنی های بی جا در حق دیگران، بخش هایی از این رویکرد است که در بسیاری از منابع سنتی و متون دینی کهن بر آن تأکید شده است. در اساس، آگاهی به تفکیک قلمرو عمومی از قلمرو خصوصی در عصر جدید ناشی از تحولی بود که در زمینه انسان شناسی رخ داد.

بر اساس داده های علمی مانند عصب شناسی، روان شناسی، جامعه شناسی، مردم شناسی و مانند اینها، هر انسان به تنهایی جهانی مستقل اما آکنده از پیچیدگی است، و نمی توان حتی دو نفر را در روی کره زمین پیدا کرد که از همه جوانب، در ظاهر و باطن شبیه یکدیگر باشند. انسانها در صورتی می توانند «من» واقعی خود را پیدا کنند و به شکوفایی برسانند که فردیت شان به رسمیت شناخته شود و دارای زندگی اصیل باشند، و زندگی اصیل در صورتی ممکن است که هر کس، بی هیچ فشار و اجباری، به سبک زیست ویژه خود متناسب با ظرفیتها، آرزوها و خواسته های راستین خود روی بیاورد. این اجبار می تواند از سوی نظام حاکم یا از سوی جامعه اعمال شود و از شکوفایی شخصیت وی جلوگیری کند.

تنوع در ویژگی های ذهنی و روانی به رنگارنگی شخصیت انسانها می انجامد و همین کمک می کند که انسانها از مرز ربات های یکدست ماشینی به مرز پویا و بالنده انسانی ارتقا کنند. از این طریق است که جامعه انسانی به اقیانوسی از استعدادها و درهم تنیده تبدیل می شود و می تواند گام های بلندی در مسیر خلق هنر، فرهنگ و مدنیت بردارد. به این جهت به رسمیت شناختن تفاوتها در زندگی آدمی، اعطای آزادیها، از میان برداشتن موانع، و دور کردن فشار و سرکوب از لوازم اساسی ترقی، شکوفایی و شکوه بی نظیر تمدنی در جوامع انسانی است، و امکان ندارد بدون آن راهی به تعالی مادی و معنوی انسانها گشوده شود. از سوی دیگر، انسان به حکم زیست اجتماعی اش نیاز به سلسله ای از هنجارهای قراردادی دارد تا روابطش با دیگران بر آن اساس ساماندهی شود و جلو هرج و مرج در زندگی اجتماعی را بگیرد. این قلمرو به نام حوزه عمومی شناخته می شود که نیاز به درجاتی از یکسان سازی دارد، از قوانین ترافیکی گرفته تا روابط تجاری و مانند اینها. پیدایش عرف های اجتماعی اساساً برای نظم بخشیدن به این قلمرو است، و ادیان هم در تاریخ بخشی از این مسئولیت را به عهده داشته اند. به مرور زمان که قانون به وجود آمد و انواع سازوکارهای قانونی به اجرا گذاشته شد، انسانها از طریق آزمون و خطا دریافتند که بهترین راه ساماندهی به قلمرو عمومی توسل به قانون است، زیرا قوانین به شکل آگاهانه و از مجاری روشن و قاعده مندی قابل ایجاد، تعدیل، و اجرا می آید.

در عصر مدرن، قانون مهم ترین ابزار ساماندهی حوزه عمومی شناخته می شود و دانش های گسترده ای در این زمینه در سراسر دنیا پدید آمده است. (صفحه شش)

## بحران افغانستان. دوراهی عمل وی عملی

استفاده ابزاری از دین، دموکراسی، حقوق بشر، جهاد، عدالت اجتماعی، جامعه بی طبقه، و حتی هنر و ادبیات، به رویه ای تقریباً همه گیر تبدیل شد و اعتبار آنها را به شدت لطمه زد. اکنون که نیم قرن از آغاز ماجراها می گذرد، مردم از فریب خوردگی مجدد هراسانند و به مارگزیدهای می مانند که دیگر به هر ریسمان سیاه و سفیدی شک می کنند.

گروه طالبان که ادعا می کرد برای آزادی وطن از وابستگی به قدرت های خارجی می جنگد و هدفی جز تحقق اهداف شریعت ندارد، اکنون خود به دستگاهی از استفاده جویی تبدیل شده که رهبرانش تمرکز خود را بر معامله گری با استخبارات کشورهای گوناگون گذارده اند تا پول و منابع بیش تری به دست بیاورند، همچنان که فرماندهان و چهره های کلیدی اش در پی سرمایه اندوژی، ازدواج های مکرر، و نفوذ در شبکه های فساد و اختلاسی اند که رژیم های پیشین را از پا انداخت. در طرف مقابل طالبان، هر گاه گروه و تشکیلی اظهار وجود می کند که ادعای مقابله با این گروه را دارد، فوراً واکنش های منفی در برابر آن شروع شده و گفته می شود که هیچ کدام شما کارنامه ای قابل دفاع از خود به جا نگذاشته اید و برای کسی قابل باور و اعتماد نیستید.

بدون شک این داوری بدبینانه به صورت کلی و استثنا پذیر نادرست است، زیرا وجود خطا و حتی خیانت از سوی برخی عناصر در میان احزاب و جریانها، حتی اگر شمارشان فراوان هم باشد، به معنای این نیست که تمام افراد و اعضای یک طیف و جریان بدون هیچ استثنایی خطا کار و خاین بوده اند. در همه ادوار، و در میان همه جریانها، افراد و چهره هایی بوده اند که بنا به تعهدات اخلاقی یا منش شخصیتی از کجیها و کاستیها برکنار مانده و در محدوده صلاحیتها و اختیارات خود اصولی و سنجیده عمل کرده اند. اما هنگامی که فضای ناباوری و بی اعتمادی گسترده می شود خشک و تریکجا می سوزد و به ویژه از سوی کسانی که به منفی نگری مفرط گرفتارند نه هیچ سیاست مداری قابل بخشش شناخته می شود، نه هیچ خبرنگار، نه هیچ فعال مدنی، نه هیچ صاحب موسسه و نه هیچ نهاد غیردولتی و نه حتی کارمند هیچ اداره رسمی.

عامل دیگری را نیز می توان افزود و آن شکل گرفتن این باور در میان بخش هایی از جامعه است که گویا ساکنان و شهروندان این کشور خود نقشی در تحولات سیاسی و اجتماعی ندارند و همه برنامه ها به دست قدرت های کلان تر منطقه ای و بین المللی طراحی می شود و نیروهای داخلی اعم از افراد تا نهادها و گروهها، مهره هایی در این بازی شطرنجند که دست پنهان یا پیدای دیگری آنان را پس و پیش می کند. این دیدگاه که از سوی متخصصان زیر عنوان تئوری توطئه شناخته می شود در بسیاری از جوامع شرقی وجود دارد، اما در افغانستان وضعیتی تقریباً همه گیر و ایپدیمیک است، به گونه ای که از ساده ترین افراد روی خیابان تا بسیاری از سیاستمداران رده بالای کشور، یکایک قضایا را بر همین پایه تجزیه و تحلیل می کنند.

مجموعه عوامل یاد شده باور به خویشتن و اعتماد به دیگری را در جامعه افغانستان از میان برداشته و همه را بر سر دو راهی عمل و بی عملی سرگردان رها کرده است. از یک سو همه می دانند که وضعیت بسیار بحرانی است و کشور در یکی از تاریک ترین دورانهای خود قرار دارد و باید برای رهایی اش کاری کرد، اما از سویی همه یا اکثریت به هیچ گونه عمل و اقدامی باور ندارند و به هر تلاشی به دیده شک و تردید می نگرند و هر کسی را نیز که پای به میدان بگذارد با نیش زبان، نقد گزنده، و گاه دشنام های زنده بدرقه می کنند.

اگر بخواهیم افغانستان از بن بست کنونی خارج شود هیچ چاره ای جز چیره شدن بر تردید و کنار نهادن بی عملی نیست و به گفته مولانا کوشش یهوده به از خفتگی. بی عملی در هیچ دوره ای از تاریخ ارزش تلقی نشده و در هیچ قاموسی به عنوان فضیلت به ثبت نرسیده است. بی عملی مساوی است با بیکارگی، ناتوانی، زبونی، تسلیم پذیری، و تن دادن به شکست و ناکامی دائمی. نباید خطاهای گذشته چهره ها و جریان های سیاسی یا مدنی بهانه ای برای بی عملی و توجیهی برای تداوم آن باشد. همه ملت ها در تاریخ خود خطا کرده اند و گاهی خطاهایی کمر شکن کرده اند، اما شماری از ملت ها به بازخوانی انتقادی گذشته خود روی آورده و در پرتو آن مسیر آینده خود را ترسیم کرده اند. ما هم باید به جای عیب گیری های بی حاصل و نقرزدن های بیمارگونه روش های نقد و تحلیل انتقادی را فرابگیریم تا از تکرار خطاهای پیشین خودداری بورزیم.

## طالبان و نقص حریم خصوصی شهروندان

گزارش های اخیر از افغانستان حاکی از تاخت و تاز مجدد و مضاعف طالبان به حریم خصوصی شهروندان است. نحوه لباس

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

# Amid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 32, Issue No. 11, FEBRUARY 21, 2024, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan  
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

## خاطرات استادان و شاگردان

### لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هر چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر ۲۰۲۲ ارسال دارند. تلفون (۷۰۳ ۴۹۱ ۶۳۲۱) mkqawi471@gmail.com 12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge VA 22192-7075 U.S.A.

## غزلی از حضرت ملک الشعراء قاری مرحوم

هیچ در گلشن نشانش نیست، وای عندلیب

شد خزان، گل رفت و خالی ماند جای عندلیب

بس که ناخن می زند در دل صدای عندلیب

پاره می گردد دل من از نوای عندلیب

شعله ی گل، آتشی در آتشیانی می زند

خالی از سوزی نباشد، های های عندلیب

موج گل را بین که سیل طاقتش گردیده است

ای که می جویی تو از من ماجرای عندلیب

شمع حسنت روشن است از شعله ی آواز او

غافل ای گل چند باشی از صدای عندلیب

می سراید داستان گلشن راز کسی

خیزد از تار رگ گل، این نوای عندلیب

گل به چشمم بی تو در گلشن چو خار آید، بلی

نیست غیر از دیدن گل، مدعای عندلیب

عشق شیدا بی قرار جلوه ی حسن است و بس

خار خار روی گل شد، خار پای عندلیب

حسن خودکام از نیاز ماست، "قاری" بی نیاز

خنده ها گل می کند، از ناله های عندلیب

\*\*\*\*\*

### پیشنهاد حل چندمشکل ...

\* دانشکده ها محل بحث و مذاکره علمی و تحقیقاتی است نه مرکز تبعیض لسانی؛ مثل یک محصل اکادمیک و متمددن روش باید داشت نه اجتناب تبعیض.  
\* استادان دانشگاه به اساس کردیت های علمی و آثار نشر یافته بکر انتخاب گردند نه با کردیت های جعلی خریده شده از مراکز گمنام و بد نام؛ روش انتخاب استاد جداً مرور گردد.  
\* سوال های کانکور شمول به دانشکده باید محفوظ بوده به بیرون رخنه پیدا نکند، مجرمین فروش سوال شدیداً مجازات شوند.

\* محصلین و محصلان باید به اساس لیاقت سه سال اخیر مکتب و موفقیت امتحان کانکور بدون تبعیض به دانشکده مورد انتخابش اجازه ورود داده شود.

\* با رؤسای جاهل و متصدیان قومپرست که زبان اکثریت مردم را «واژه بیگانه» میدانند سوبه تدریسی و علمی معدوم شده در دانشگاه ها نفاق و تشدد خلق می گردد؛ این نوع خیانت به زبان دری توقف یابد و عاملین شرر انداز به محکمه رجعت داده شود.

نوت: این بود آنچه من به اساس تجربه ده ها سال و آشنایی به سیستم های دانشگاهی یونیورسیتی های افغانستان، انگلستان و امریکا حضور تان تقدیم نمودم ولی متخصصین تعلیم و تربیه دانشگاهی باید در زمینه کمک نمایند.

صحت عامه: صحت سالم در یک جامعه که می خواهد فعال و مترقی باشد ضروریست. امور صحت عامه باید صادقانه در پرتو اخلاق طبابت و کد هیپوکراتی با مامورین اداری و افراد فنی و متخصصین

اجراآت نماید. در وقتیکه ما محصل طب بودیم در پولی کلینیک مرکزی در پل باغ عمومی مریشان رایگان با ادویه مناسب تداوی میشد. دو کنوران و استادان دانشگاه طب معاینه خانه داشتند که صادقانه و عالمانه با وفاداری به تعهدی که به کد هیپوکرات داشتند مریشان را معاینه و تداوی میکردند.

استادان از شاگردانیکه به معاینه خانه شان جهت تداوی مراجعه میکردند فیس نمی گرفتند. شاد روان مرحوم پروفیسور عثمان انوری با یک نوت من به خانه سامان معاینه خانه اش مادرم را از مرگ حتمی نجات داد. امروز اکثر دو کنوران به دوا فروش شریک هستند، نسخه های مینویسند (صفحه شش)

گفتند ما این آثار را غرض فروش نیاورده ایم، میخواهیم به شما اهداء کنیم. به سراپای شان خیره شدم، آثار تنگدستی و نیازمندی شان هویدا بود، با آنهم با قاطعیت موضوع خرید و فروش را رد کردند. آنروز رفتند و روز دیگر با آثار دستنویس آن بزرگمرد برگشتند. روی میز اتاق مجلس از آثار پر شد. شماری به خط زیبای قاری مرحوم و به خط کسان دیگر هم. یکی ازین کتب نسبتاً قطور را برداشتم و صفحه زدم، ترجمه فصوص الحکم شیخ محی الدین ابن عربی بود و اگر حافظه به غلط نرو به خط مرحوم ملک الشعراء بیتاب بود. جنجال امورداری مجال نداد که آن همه آثار را یکایک ببینم و رسمابه آرشیف ملی ارسال شد. مناعت طبع و جوانمردی و عیار مشربی آن گزیده مردان بر من اثری ماندگار گذاشت.

خانم داکتر عفت مستشارنیا را شادباش باید گفت که در طبع و نشر «غزلیات ملک الشعراء قاری عبدالله» اهتمامی شامل و کامل بکار برده است. مقدمه مهتم حاوی مطالبی درباره پیروی شاعران افغانستان از سبک هندی در شعر و رسوخ این سبک در افغانستان و آسیای مرکزی، آشنایی و شناخت فرهنگیان ایرانی از آثار نویسندگان و شاعران افغانستانی و نشر آثار آن گویندگان در ایران میباشد. بانوی مهتم درباره علاقمندی اش به آثار ادبا و شاعران افغانستان آورده است که: «این جانب به دلایل گوناگون و علاقمندی از جمله برای آشنایی بیشتر با سیر شعروادب فارسی دری در افغانستان دوره معاصر گاه به گاه به مطالعه این کتاب هادی پرداختم. مدت ها مطالعه کلیات قاری عبدالله ملک الشعراء به سبب در برداشتن لطائف و ظرائف بسیار، آثار شعری و آثار نثری اش مرا به خویش مشغول می داشت، در هر بار مطالعه، مطالبی یادداشت میکردم و آرزوی چاپ بخش هایی از آن در سرم می بود تا اینکه بالاخره این آرزو برآورده شد.»

وی غزلیات قاری را که بخش عمده آن به شیوه گویندگان سبک هندی سروده شده به سبب قدرت قاری برفن شعر و سادگی و روانی اشعارش در حد فاصل میان سبک هندی و دوران معاصر قرار میدهد و شیوه خاص خودش میداند. توجه به ایهام و تناسب در الفاظ و معانی همین ویژگی همراه باروانی و اهتمام به معانی و مضامین غزل و نزدیکی به زبان گفتاری و با ذکر صفحات آن در دیوان یاد می کند. بانوی مهتم از ابیات مصرع در شعر شاعران سبک هندی یاد میکند و نمونه های بسیاری نیز از قاری می آورد و از استقبال قاری از شاعران متقدم و مثال های بسیار از آنان و مطلع استقبالیه قاری می آورد.

بازی با کلمات و اراده مفاهیم و معانی مختلف از آنها بخش دیگری است که خانم داکتر مستشارنیا مثال های متعددی از آن می آورد و تقابل همکردها را نمونه های فراوان از دیوان قاری توضیح میدهد. همین طرز تصور آفرینی و تعبیرات تازه قاری یاد میکند و شواهدی می آورد و آوردن کلمات مکرر به جهت تاکید و یا ایجاد موسیقی در کلام با ذکر مثالها و کاربرد واژه های خاص و مضمون های زیبا و نوین او را مورد توجه قرار می دهد.

مطالعه مطالبی که خانم مستشارنیا درباره غزلیات قاری آورده است نشان می دهد که این بانو با علاقه خاص دیوان قاری را حلای کرده و وقت و زحمت بسیار را در تشریح و توصیف و ویژگی های شعر قاری بکار برده است.

اگر قاری مرحوم پشت به سبک هندی میکرد و با آوردن محتوای نوین، توجه به اساتید متقدم و سبک خراسانی میکرد، بیگمان با آن استعداد شگرفش غزل ها و چکامه های موثرتری می آفرید. دردا که میراث دو قرن انحطاط ادبی در کشور و اقتفا به هندی سرایان و پیچیدگی های سروده هایشان در کنار مضامین تکراری و استقبال ها و مخمس ها، گویندگان مارا در زمان متوقف گردانیده و قاری مرحوم نیز از صدمات این پدیده در امان نمانده است.

این کتاب با تعدادی اغلاط طباعتی به چاپ رسیده و در مواردی اغلاط مانع فهم مطلب شده است، مثل این بیت بیدل در صفحه ۴۸: چه شاد اطلس فلکی قبا، کی درید آن ملکی رداء که درین زیانکده فنا، پی یک دو گز کفن آمدی؟! روان تابناک حضرت قاری عبدالله ملک الشعراء شاد باد! (اداره)

## دیوان غزلیات قاری عبدالله ملک الشعراء

قاری عبدالله مرحوم که تادم مفارقتش از جهان، با کتاب و قلم زیست، خدمات درخشانی در ترویج معارف و آموزش پیر و جوان و کودک ایفا کرد که هم در زمان حیاتش هم پس از وفاتش مورد تمجید و بزرگداشت همگانی قرار گرفت. او از پادشاه فقید محمد ظاهر شاه لقب ملک الشعراء دریافت داشت و بارها مورد قدردانی مقام سلطنت قرار گرفت و فضایی پایتخت در حیات و مماتش به نظم و نثر فضایل و مراتب علمی او را ستودند. شاد روان ملک الشعراء بیتاب در قصیده یی که در وصف قاری سروده، از زندگی و شعرو فضایل آن استاد بزرگ یاد آور شد:

معانیش همه رنگین چو لعل لاله رخان

عبارتش به روانی نظیر آب زلال

پری و شان ز چه در گردنش نیاویزند

که گوهر سخنش آمده است عقد لال  
درباره تغییر سبک سخنش به سادگی پس از کسب استقلال افغانستان گوید:

ولیک رنگ دگر یافت چهره سخنش

دمی که مملکت ما گرفت استقلال  
به نظم و نثر طریف سلیس و ساده گرفت

به جزمی که ز سبکی نموده استقبال  
ادیب و شاعر و صرف و نحوی کامل

فقیه و حافظ قرآن، به فقر صاحب حال  
زیست که داشت شب و روز با قلم سرو کار

زلاغری بدنش گشته بود صورت نال  
عشق مرحوم قاری به وطن و مردم خاصه جوانان و اهل قلم

از آثار و اشعار او بر می آید، همانگونه که مقام شامخ علمی و ادبی اش در کناره اخلاق عالی و تواضع و فروتنی او همگان را شیفته و ساخته بود.

با تأسیس مکتب حبیبیه در زمان امیر شهید حبیب الله خان، مرحوم قاری از نخستین کسانی بود که به تدریس در آن مکتب گماشته شدند. مرحوم قاری نزدیک به چهل سال به تدریس درین مکتب و دیگر مکاتب پایتخت پرداخت.

در زمان محمد نادر شاه به حیث عضو انجمن ادبی کابل که آن پادشاه تاسیس کرده بود، بکار پرداخت و مقالات علمی او در موضوعات مختلف ادبی از فقه اللغه و بلاغت و معانی و بیان و نقد و نظر ادبی تا منطق و تاریخ در مجله آن انجمن بنام (مجله کابل) به نشر میرسید. خدمات این مرد بزرگ در عرصه معارف نوین در افغانستان، که او خود از بنیانگذاران آن بود و نیز در پهنه مطبوعات و تألیف و تصنیف و ترجمه از طریق نگاشتن مقالات عالمانه و تألیف کتب و رسایل او را دانشمندی پر کار و استثنایی قرار داده بود.

فضایل و سیرت نیک قاری زبازند همه کسانی بود که او را از نزدیک می شناختند. مرحوم محمد سرور گویا اعتمادی از فضایل مشهور کشور که سالهای درازی از فیض محضر آن بزرگوار برخوردار بود، در شرح حال یاسوانج ملک الشعراء، که درین کتاب به چاپ رسیده، آورده است: «این عاجز در حدود بیست و دو سال پیوسته ملازم خدمت و صحبت او بوده شرف و افتخار شاگردی او را داشته ام، هر قدر که در اخلاق و عادات و صفات این مرد دقیق شدم، همان قدر در نظر من بزرگ و جلیل جلوه نمود.»

از سیرت و سجایای حسنه قاری یاد کردیم، باید گفت که خاندان و بازماندگان این مرد فرزانه نیز از صفات نیکی برخوردار بوده اند با همان روحیه درویشی و مناعت نفس و آزادیگی. آقای داکتر سید مخدوم رهین وزیر پیشین اطلاعات و فرهنگ در مصاحبه با یکی از رسانه های داخل کشور اظهار داشت: «این وزارت بودجه خاصی را غرض خریداری نسخ خطی با ارزش اختصاص داده بود تا از یکسو با خریدن نسخ خطی به گنجینه آرشیف ملی بیافزاییم و از جانبی مانع ضایع شدن این آثار و احیاناً خروج آن از کشور شویم. هیئت خاصی را که با نسخه شناسی سرو کار داشت، غرض ارزیابی و قیمت گذاری آثار تعیین کردم. روزی چندتن از منسوبان مرحوم ملک الشعراء قاری به دفتر من آمدند و گفتند که ما بلند آثار خطی متعلق به قاری صاحب مرحوم رابه شما اهداء کنیم. گفتیم کار مبارکی است. به هیئت موظف غرض ارزیابی و قیمت گذاری سپرده خواهد شد.»